انتخابات به آن اشـاره کردند و چیز جدیدی نیسـت. در مورد فضـای مجازی هم باید اشـاره کرد که اصـل رفع فیلترینگ سالبه به انتفاء موضوع شـده است. مطالعات نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد مردم از فیلترشکن استفاده می‌کنند و این توجیه چیزی نیسـت. الان مقاومت در فضای مجازی به یک امر حیثیتی تبدیل شده تا یک امر واقعی و شاید اینکه تاکید کردند فیلترینگ از واتس‌آپ برداشـته شود به این دلیل است که در آن، کارهای جاری مردم بهتر راه می‌افتد.

امـا در مورد سـوال مطرح‌شـده، معتقدم شـکاف درون ساختاری را به میزان زیادی کم کرده است و این کاهش عملاً مسـئله مردم نیست، اما بازتاب آن هست و در شرایط کنونی، نگرانی کل سیسـتم این اسـت کـه در حال از دسـت دادن نیروهای اصلی خود است و نمی‌دانند که چطور سیاست‌های خود را در ایـن حوزه‌ها ادامه دهند و در عین حال این نیروها حفظ شوند و اگر حفظ نمی‌شوند بتوانند آن‌ها را قانع کنند؛ در نتیجه با فشـار سنگینی مواجه هسـتند. بنابراین کاهش فشار درون‌ساختاری به شدت به ایزوله کردن و حذف نیروهای تنـدرو از فضای عمومی کشـور کمک کرده اسـت؛ هرچند سـنجش آن پیچیدگی‌هـای خاص خـود را دارد. در مجموع چه در مسـئله حجاب و چه سیاسـت خارجی، هر دو مربوط به دولت بوده و دولت در آن نقش داشـته اسـت و متناسب با سیاست‌هایی بوده که اعلام کردند.

آیا آقای پزشـکیان توانسـته است بخشـی از نیروی اجتماعی را امیدوار و یا فعال کند؟

حسین قاضیان: ابتدا درباره بقای حکومت توضیح دهم که آقای عبدی اشاره کردند بقا کار هر سیستمی است و بنابراین حکومت ما از این منظر با هیچ حکومتی فرق ندارد؛ در حالی کـه در روایت خـود از حکومت می‌گویند نـوع آن فرق دارد و بـه همین دلیل در حال انجام این بحث‌ها هسـتیم. این یک پیش‌فرض نیست که حکومت ما اینگونه است بلکه ما از نحوه رفتار حکومت است که متوجه می‌شویم اینگونه کار می‌کند و پذیرش این مسئله باید بر رفتار سیاسی ما نیز تاثیر بگذارد.

وقتی می‌گوییم لایحه حجاب و توقف آن ناشـی از فشـار اجتماعـی بوده اسـت، این ناشـی از بی‌اطلاعی نیسـت و مانند دیگران مطلع هسـتیم که آقای پزشکیان چه کار کرده که شـورای امنیت آن را متوقف کند. اما آقای عبدی می‌گوید این قانون به دلیل دولت پزشـکیان اسـت درحالی‌که قانون از سـال ۱۴۰۱ تصویب شـد و اجرا نشـد؛ بنابراین ربطی به آقای پزشـکیان و دولت وی نـدارد. دولت قانون را از سـر راه خود برداشـته چراکه فکر می‌کرده با اجـرای آن دچار بحران جدی می‌شـود و این ممکن اسـت به نفع زنان بوده باشد اما لزوماً ناشـی از رفتار انتخابی دولت آقای پزشـکیان برای حل مسـائل زنان نیسـت. پس اگر می‌خواهیم چیزی را به عنوان دستاورد فرض کنیم باید بگوییم دولت چیزی را هدف گرفته، به آن رسـیده و این به عنوان دسـتاورد حسـاب می‌شود. اما اگر اقدامی به دلیل پیامد اوضاع باشـد، دیگر نمی‌شود به آن دسـتاورد گفت. در حوزه سیاست خارجی نیز همین است و اقدامات ناشی از تغییرات اوضاع بیرونی است و نه هدفگذاری دولت که منجر به یک دسـتاورد شده باشد. در نهایت داوری ما معیار نیسـت و باید دید آیا مردم به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات ایجاد شـده است؟ به این اضافه کنم که آقای عبدی اشاره کردند اگر شـکاف دولت و ملت برطرف نشود، شکاف درون ساختاری برطرف نخواهد شد. شکاف بین دولت و ملت چه زمانی می‌تواند برطرف شـود؟ اینکه مـردم به این نتیجه برسند این دولت جدید و تغییراتی که رخ داده است، تغییرات اساسـی بوده است و این شـکاف برطرف شـود اما آیا مردم چنین احساسی دارند؟

در این دوره وزیر آموزش و پرورش خود را سـرباز آقای رادان معرفـی و طرح پلیس در مدرسـه را مطرح کرد. نظرتان درباره این اقدام چیست؟

عباس عبـدی: اینکه آقـای قاضیان گفتنـد قانون حجاب قبل از این دولت تصویب شـده اسـت اشـتباه بود و در مهر ۱۴۰۳ تایید نهایی شـورای نگهبان را دریافت کرد. از سـوی دیگر معتقدم شکاف درون سـاختاری قطعاً کم شده است و شکاف درون ملت نیز کم شده اما این به معنای برطرف شدن شـکاف‌ها نیسـت؛ راه زیادی مانده اسـت که به این مرحله برسیم. آقای قاضیان گفتند ما بر حسب اینکه حکومت چکار می‌کند رفتار می‌کنیم و این یکی از تفاوت‌های من با بسیاری از دوسـتان اسـت، نه اینکه به رفتار حکومت توجه نداشـته باشـیم اما معتقدم که شاخص اصلی نیست. شاخص اصلی را سیاسـتمدار و تحلیل‌گر بر این مبنا بگذارد که خودش چه فکر می‌کند و چه مسـائلی وجود دارد و چگونه می‌توان آن‌ها را حل کرد.

در مورد موضوع پلیس و مدرسـه، مطلبی ننوشتم چراکه موضـوع آنگونه که گفته می‌شـد نبود. اینگونه نیسـت که بگوییـم دولتی کـه روی کار آمـده باید روی آن حسـاب باز کرد اما با توجه به وضعیت کشـور و میزان سـرمایه‌ای که در این انتخابات گذاشـته شـد و امکاناتی که وجود دارد بحث می‌کنیـم، وگرنه یکی از بدترین حوزه‌هـا که من نیز روی آن حسـاس هسـتم آموزش و پرورش اسـت و قرار نیست فکر کنیم دولـت با هیئت دولت ایده‌آلی شـکل گرفته اسـت و اساساً نظام بوروکراتیک جامعه ایران با یک نظامی که بتواند حداقل کارایی را داشته باشد بسیار فاصله پیدا کرده است. بنابرایـن اگر سـوال آقای قاضیـان را مبنـا در نظر بگیریم، معتقدم شـکاف درون ساختاری کم شـده است که به حل بخشـی از مشکلات کشـور کمک می‌کند و شکاف دولت - ملت نیز به این دلیل که تفاوت ملموسـی را مردم می‌بینند، معتقد هستم کم شده اسـت. حس مردم این است که الان کسانی هستند که همدلی و همراهی بیشتری با آن‌ها دارند اما اینکه تا چه اندازه موفق می‌شوند یا خیر جای بحث دارد و قطعاً نمی‌توانند انتظارات مردم را برآورده کنند. در مجموع سـودآوری سـرمایه‌ای که ما در خرداد سـال گذشته صرف کردیم، برای جامعه ایران بسیار بالا بوده است و هیچ مانعی را برای هیچ حرکتی ایجاد نکرده و هر کسی می‌تواند حرکت خود را داشـته باشـد. اما در مورد اینکه این جریان توانسته است موفق باشد، اگرچه انتظارات و توقعات من بیشتر بوده اما یک گام روبه جلو بوده است و هم شکاف درون ساختاری را کم کرده اسـت و اگر مذاکرات به نتیجه برسد، هم شکاف در سطح بین‌الملل و هم شکاف دولت - ملت را به میزان قابل توجهی حل می‌کند. هنوز در هر سـه حوزه شکاف‌ها جدی باقی مانده و قرار نیست با یک انتخاباتی که برای آن ۲۶ روز فعالیت شد این مسئله حل شود.

ابراز تاسف دکتر پزشکیان از نوع پوشش برخی زنان را چطور تفسیر می‌کنید؟

عباس عبـدی: این خبر ربطی به الان نـدارد و متعلق به دو ماه پیش اسـت و جزو نقاط قوت آقای پزشکیان است. بعد از ماجراهای ارسـال پیامک حجاب در اصفهان جلسه‌ای برگزار شده است و همه را دعوت می‌کنند و صحبت می‌کنند و بحث مفصلی درباره پوشـش زنان می‌کنند. آقای پزشـکیان در آن جلسه سـر مسـئله زنان خیلی خوب موضع‌گیری می‌کند و می‌ایسـتد. معتقدم مواضع خیلی روشـنی گرفتند و مصوبه کاملاً روشـنی را داشـتند و مصوبه‌ای اسـت که جامعه از آن دفاع می‌کند. در آنجا عکس‌هایی نشان دادند که موارد خیلی استثنائی از خانم‌ها بوده و با اینها اگر هستند برخورد کنید اما به زن‌ها چکار دارید. هنوز مصوبه اصلی اعلام نشـده است و اگر اعلام شود چند گام رو به جلو است.

چقدر باید معتقد بود که دولت به موفقیت رسـیده است و آیا آقای پزشکیان همراهی حکومت را داشتند و به موفقیت‌هایی رسیده‌اند؟

حسـین قاضیان: مـن از دو موضوع متعجب هسـتم، اول، برداشت آقای عبدی از فضای عمومی است که مردم احساس می‌کنند تغییراتی حاصل شـده است. نمی‌دانم به این دلیل که در خارج هستیم چنین داوری نداریم و یا اینکه این داوری دقیق نیسـت. نکته دوم درباره برداشت آقای عبدی مبنی بر اینکه شکاف درون حکومت کم شده است، به یاد دارم در یک مصاحبه گفته بودنـد امید من این بود در پـی این انتخابات سیستم سیاسـی به این نتیجه رسیده باشد حدی از انسجام را در چارچـوب رویکـرد آقای پزشـکیان بپذیرد کـه آن را هم نپذیرفته اسـت. نمی‌دانم آیا تغییری در رفتار حکومت ایجاد شـده اسـت که الان داوری دیگـری دارنـد؟ در مجموع من برداشتی ندارم که تغییر عمده‌ای حاصل شده باشد.

آیا دولت دستاورد بزرگی داشته است؟

عباس عبدی: دولت آقای پزشـکیان در مجمـوع و با وجود همه انتقادات، یک سودآوری برای ملت داشته است که بسیار بیشتر از سرمایه‌ای اسـت که در خرداد و تیرماه سال گذشته صرف این کار شـد. اما اینکه مسائل ایران را حل کرده است، یـا خیر، در بهتریـن حالت ما را در ابتـدای راه قرار می‌دهد و نه در پایان راه. مسـائل ایران اینگونه نیست که با آمدن آقای پزشکیان حل شود و یا در مسیر حل شدن قرار گیرد؛ همچنان کـه با این درگیری‌ها و اختلاف‌ها و برخوردها و تنش‌ها نیز به راه‌حل نمی‌رسد. الان مهمترین مسئله این است که ناترازی‌ها چگونه حل شوند.

آینده مذاکرات به نتیجه خواهد رسید؟

عباس عبدی: اظهارنظر درباره آینده سخت است و نمی‌توانم قضاوت روشـنی داشـته باشـم اما از زاویه تحلیلگر برداشتم این اسـت که ایران به دلایل متعدد از جمله دولت موجود که تصمیم گرفته اسـت این مسئله را با سیاست و بدون درگیری حل کند (نمی‌خواهم بگویم به سـرعت حل‌شدنی است) اما در مسیر تخفیف حرکت می‌کند و حکومت ایران این تصمیم را گرفته اسـت و خود رهبری هم پشت آن است. کل سیستم درگیر ماجرا اسـت و چنیـن اراده‌ای دارد اما اینکه آمریکا چه تصمیمی دارد را باید کسـانی که در خارج از کشـور هستند بگویند اما برداشـت من این است که ترامپ تقریباً هیچکدام از مسائل اصلی را نتوانسته حل کند و باید به سمت حل شدن حداقل یکی از مسائل برود و یکی از آن‌هایی که ظرفیت حل شدن دارد مسئله ایران است.

حسین قاضیان:
زمانی که درباره هارمونی حکومت صحبت می‌کنیم، بقای سیستم حکومتی به هر قیمتی نیست. سیستم حکومتی بر سر کار می‌آید که به نمایندگی از شهروندان رضایت آن‌ها را تامین کند بنابراین، اگر نتواند این رضایت را تامین کند نمی‌تواند بگوید من می‌خواهم به بقای خودم فکر کنم و کاری به نارضایتی شما ندارم

آگهی فقدان سند مالکیت

شناسه آگهی: ۱۹۴۸۲۲۱

آقای امین قصاب‌زاده فرزند پرویز، خانم فاطمه آرامش، فرزند رحیم هرکدام مالک سه دانگ یک باب خانه تحت پلاک ۲۵۵۰ فرعی از ۱۸۲ اصلی به شماره سریال چاپی سند ۸۱۱۱۹۹ سری الف سال ۹۶ شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۱۳۰۱۴۰۰۰۳۳۳ و سه دانگ به نام خانم فاطمه آرامش به شماره سریال چاپی سند ۸۱۱۱۹۹ سری الف سال ۹۹۶ شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۱۳۰۱۴۰۰۰۳۳۳ واقع در شهرستان چالدران با ارائه یک برگ استشهادیه گواهی امضای به شماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۳۸۴۶۰۰۰۳۲۷ و ۳۲۸ مورخه ۱۴۰۴/۳/۱۰ گواهی دفترخانه اسناد رسمی شماره یک چالدران اعلام داشته که سند مالکیت خود را در اثر اسباب کشی مفقود شده و سپس از جست‌وجوی فراوان پیدا نشده، لذا مراتب برابر تبصره یک الحاقی به ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کسی مدعی مالکیت و یا وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار آگهی به مدت ده روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک چالدران تسلیم و رسید دریافت نماید و در صورت سپری شدن مدت مقرر و عدم دریافت اعتراض برابر مقررات سند مالکیت المثنی صادر و تسلیم خواهد شد.

بهرام سلطانی - کفیل ثبت اسناد و املاک چالدران

حوزه ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک کن تهران
آگهی فقدان سند مالکیت

م الف: ۱۱۹۴۴

خانم سمانه محمدی فرزند علی اکبر با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۶۶۹۰۰۰۰۱۲۰ و ۲۱ و شماره رمز تصدیق ۷۴۵۷۴۵ و ۳۱۵۹۲۸ دفترخانه ۸۵۲ تهران طی درخواست کاتب به شماره ۲۳۰۱۲۶۵۸ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۲ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نمودند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد: ۱- نام و نام خانوادگی: سمانه محمدی فرزند علی اکبر مالک شش دانگ عرصه و اعیان ۲- شماره پلاک: ۴۳۶۳۷ فرعی از ۱۲۳ اصلی بخش ۱۱ تهران ۳- علت مفقود شدن: جا به جایی ۴- خلاصه وضعیت مالکیت: مشخصات ملک ششدانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۴۳۶۳۷ فرعی از ۱۲۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۴۹۸۵ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱۰ واقع در سمت جنوب شرقی طبقه چهارم به مساحت ۷۶/۷۱ مترمربع که دو متر و سی و پنج دسی متر مربع آن بالکن، است به انضمام پارکینگ قطعه ۱۰ به مساحت ۱۰/۵۶ مترمربع واقع در غرب طبقه ۱- مشخصات مالکیت: مالکیت سمانه/محمدی فرزند علی اکبر شماره شناسنامه ۰۰۱۲۶۳۴۰۳۴ تاریخ تولد ۱۳۶۹/۰۸/۲۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۱۲۶۳۴۰۳۴ به عنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۴۱۳۶۲ تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۴۴ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۷۰۵۳۷ سری الف سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۲۳۰۰۹۷۵۴ ثبت گردیده است. محدودیت دفتر املاک: مازاد دارد رهنی شماره ۴۱۳۶۴ و شماره سیستمی ۱۴۰۳۲۱۲۰۱۰۲۳۰۰۳۰۳۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۴۴ شهر تهران استان تهران که به نفع بانک مسکن به مبلغ ۲۲/۲۹۷/۹۲۰/۸۸۹ ریال به مدت ۱۴۴ ماه ثبت شده رهنی شماره ۴۱۳۶۳ و شماره سیستمی ۱۴۰۳۲۱۲۰۱۰۲۳۰۰۳۰۳۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۴۴ شهر تهران استان تهران که به نفع بانک مسکن به مبلغ صفر ریال به مدت صفر ماه ثبت شده است. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

علی زارعی فر - کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران - از طرف باقر سماواتی

حوزه ثبت ملک مولوی تهران - آگهی فقدان سند مالکیت

م الف: ۱۱۹۵۰

آقای امیر شکراله سامانی به وکالت از طرف وراث آقای میرکاظم عدیلی مستند به وکالت نامه شماره ۱۰۷۲۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ دفترخانه ۳۷۰ تهران با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۸۸۶۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ دفترخانه ۱۰۸۶ تهران طی درخواست وارده ۳۰۸۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۰ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده‌اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد: ۱- نام و نام خانوادگی مالک: وراث آقای میرکاظم عدیلی ۲- شماره پلاک: ۱ فرعی از ۴۷۵۷ اصلی واقع در بخش هشت تهران ۳- علت گم شدن: جابه جایی ۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت شش دانگ یک باب خانه به مساحت هفتصد و هشتاد و هشت مترمربع به شماره‌های ۴۷۵۶ و ۴۵۵۷ که به صورت واحد درآمده است و در راستای استانداردسازی تبدیل به ۱ فرعی از ۴۷۵۷ گردیده است ذیل ثبت ۱۳۳۳۳ صفحه ۳۸۳ دفتر ۱۱ به شماره چاپی ۶۳۹۹۱۸ به نام آقای میرکاظم عدیلی صادر و تسلیم شده است و طبق بخشنامه بی اعتباری به شماره ۱۵۸۱۸ مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۸ به میزان دو سهم از ۵ سهم شش دانگ به استثنای ثمنیه اعیان ان بی اعتبار گردیده است و سند صادره نسبت به سه سهم از ۵ سهم به انضمام بهای یک هشتم اعیان دو سهم دیگر دارای اعتبار می‌باشد و آقای میرکاظم عدیلی طبق دادنامه حصر و وراثت شماره ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۰۱۲۵۱۳۳ مورخه ۱۴۰۳/۶/۲۶ شعبه ۵۱ مجتمع شماره دو شورای حل اختلاف تهران و گواهی واریز مالیات بر ارث شماره ۱۵۲۴۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ امور مالیاتی شماره ۸ تهران فوت وراث وی عبارتند از ۱- سید نورالدین ۲- سید ابوالحسن ۳- سید مهدی برادران ۴- شایسته خواهر متوفی همگی با شهرت عدیلی که سهام به شرح دادنامه می‌باشد آقای امیر شکراله سامانی به وکالت از ورثه تقاضای المثنی نموده‌اند لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت اولیه ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار این آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

الیاس صهبا - رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران - از طرف ابراهیم جلیل زاده

چهره‌ها

روح تازه دوران ما

محمدجواد غلامرضاکاشـی، اسـتاد فلسفه سیاسی دانشـگاه علامه طباطبایـی، در یادداشـتی تلگرامی نوشت: «فضای سیاسی تنها کشاکش‌های مادی و هر روزی نیروهای متخاصم نیست. روحی هم در این میان هست که آرام گشـت و گذار می‌کند و تقدیر هر دوره از مجادلات عرصه سیاست را می‌نویسد. روحی که اینک در گشـت و گذار است زنانه است. جنایت علیه زنان نه خاص ایران است نه صرفاً در این دوران ظهور پیدا کرده است. آنچه جالب توجه است حساسیت فوق‌العاده مردم اسـت. مرگ فاجعه‌بار دو زن جـوان در همین چند روز اخیر، موج سنگینی پدید آورده است. وجدان عمومی را برانگیخته و تریبون‌های گوناگونـی را به واکنش وادار کرده است.» وی در ادامه افزود: «پلیس فوراً دست به کار پیدا کردن مجرمین می‌شـود و هر ساعت خبری تازه از دلایل جرم اعلام می‌شود. پیشترها این قبیل رخدادها این‌همه واکنش بر نمی‌انگیخت. پیشترها روح حاکم بر عرصه مجادلات سیاسی مردانه بود. شاکله ذهنیت ما و کلام برانگیزاننده سیاسی را مردان می‌ساختند. خاطره تاریخی ما مملـو از مردانی با عضله‌هـای پیچ در پیچ، قدرت بازوان و اراده‌های آهنین بود. از کورش هخامنشی یا رستم و اسفندیار گرفته تا چهره‌های بزرگ شیعی و در دوران مـدرن چهره‌هایی نظیر سـتارخان و باقرخان و مصـدق و ده‌ها و صدها نام دیگـر. همه این چهره‌ها با همه تفاوت‌هایشان، در القای یک تصور مشترک بودند: سیاست نحوی زندگی اردوگاهی برای تحقق آرمان‌های بلند به همت رزم‌آوری لشـکرهای بزرگ انسانی است. این تصـور، با خود زبانـی مملو از مفاهیـم قدرتمند، سازماندهی، رهبری نیرومند و هدف‌گذاری‌های معین و برانگیزاننده به همراه می‌آورد. هر مقطع از آن روزهای تاریخی را می‌توانید با قدسی شدن چهره یک قهرمان مـرد از دوران دیگر متمایز کنید.» غلامرضا کاشـی با بیان اینکه «امروز گردش روح زنانه بر سـپهر مجادلات سیاسی، سرنوشت دیگری را رقم می‌زند» توضیح داده است: «طی دو دهه اخیر... خصلت نمای جنبش‌های سیاسـی در ایران زنان بوده‌اند. نکتـه جالب توجه این اسـت که هیچ‌کدام پیامی برای ملت ایران از خود به جا نگذاشتند... روحی که اینک در فضا در چرخش است، اصولاً شالوده‌گریز است؛ نه شالوده‌گذار. زنان به‌تدریج نقطه پایانی بر سیاست به مثابه اردوگاه می‌گذارند. این خصیصه دورانی هم اعمال اقتدار نظام مسلط را ناممکن کرده هم تولید لشـکر توسط اپوزیسیون برانداز را.» وی در پایان آورده اسـت: «اجتماع سیاسی آینده در قاعده هـرم اجتماعی به‌تدریج و آرام بافته می‌شـود. در حلقه شبکه‌های متکثر و قدرتمندی که هیچ پرچمی بر فراز افراخته نکرده است. حساسـیت‌های فراوان نسبت به قربانیـان زیبـا و معصومی که هر روز قربانی خشـونت می‌شـوند، خبر از وجود آن حلقه‌های متکثر می‌دهد. این سـخن را نباید به معنای تعطیلی فعالیت سیاسی از سـنخ و صنف قدیم گرفت. مجادله سیاسی هست و خواهد بود. سوژه‌های سیاسی و ایده‌های بسیج‌کننده همچنان هسـتند و خواهنـد بود. اما آنچه سرنوشـت مجـادلات را معین می‌کند همـان روح زنانه در گردش اسـت... زنان عمر بسـیاری از فهم‌ها از امر سیاسی را منسـوخ کرده‌اند. مرد سیاسی نباید در جهان منسوخ امیدی به فعالیت‌های خود ببندند.»

رئیس‌جمهور خودش وزیر اقتصاد باشد

سـلمان اسـحاقی، نماینـده مجلـس در گفت‌وگو با ایلنـا، درباره معرفـی علی مدنی‌زاده بـه عنوان گزینه پیشـنهادی وزارت اقتصـاد گفت: «آقـای مدنی‌زاده در حـوزه خود، یعنی دانش و علـم اقتصاد، یک نخبه محسـوب می‌شـوند. اما من می‌توانم همین امروز به شما بگویم که آنچه ایشـان در دانشگاه کسب کرده و تدریس می‌کنند، با میدان عمل بسیار متفاوت است.» وی ادامه داد: «وزارت اقتصاد جایی برای کسب تجربه میدانی و اجرایی نیست. آقای مدنی‌زاده یک دانشمند و نخبه است، اما به نظر می‌رسد دولت، ایشان را معرفی می‌کنـد تا تجربه‌ای در اجرا کسـب کند و این موضوع می‌تواند آسـیب جدی به اقتصاد کشور وارد کند.» وی بیان کرد: «اگر دقت کنید سه ماه وزیر اقتصاد نداشتیم قیمت دلار و طلا سـیر نزولی داشت و ثبات قیمت‌ها را داشتیم و یک آرامش روحی و روانی در کشور حاکم بود، من پیشنهادم این است که آقای رئیس‌جمهور خودشان به عنوان وزیر اقتصاد باشند.»